

## فریدون نوزاد

لاهیجان

## هفت خط جام جم

مادجله کشی یاد گرفتیم ز استاد      ما را خط بغداد به از خطه بغداد

(فغفور گیلانی)

در ادبیات فوق العاده وسیع و ارزشمند پارسی به اصطلاحات و تعبیرات و ترکیباتی به ظاهر نا آشنا و برومی شویم که دیگر دیرگاهی است بکار گرفته نمیشود، تازه در عصر تداول و رواج هم جمله نشین آثار بزرگان و اجله فضلا بوده است آگاهی بر این تعبیرات یا احیاناً رسوم و نقوش و آثار» فوق العاده جالب و لازم و حتی برای اهل ادب ضروری است چون بیان احساس را ساده و دقیق و روشن تر مینماید، ادای مقصود را آسان و ممکن میسازد، نشان دهنده عادات و افکار خوب یا ناپسند و نمایشگر معتقدات و تربیت اجتماعی در اعصار مختلفه است.

آنهایی که نادانسته به وزن و قافیه می‌تازند و با شکستن کلیه قواعد شعر پارسی با فصاحت می‌ستیزند باید اندکی به خویش رنج کاوش در ادبیات پارسی را داده و بالغات و تعبیرات آشنائی بهم رسانند و عامل اصلی قدرت کلام ادبا را بیابند یکی از این ترکیبات گویا و نمایشگر خط جام جم...

بادمشک است و زعفران در جام      پس خط جام چون خط طیار

خاقانی

و یا خط پیاله.....

آماده جلای نظر شو که ساقیان خط پیاله بر لب میگون نوشته اند

طالب آملی

که « نام خطها که در جام جم بوده ولی در غیر جام هم مستعمل است. » (۱) می باشد، چون عدد هفت نزد قدما مقدس بوده است و برای شگون اکثر تقسیمات بر مبنای هفت بود جام را نیز به هفت خط یاد رجه تقسیم میکردند، این درجات از لب جام آغاز و به ته آن پایان مییافت.

جام به معنی ظرف مخصوص نوشیدن آب، پیاله، قدح و پیمانه و پیاله شراب - خواری است، مرحوم دهخدا آورده « ظرفی است که از برای نوشیدن آب ترتیب یافته و مردمان قدیم شاخ را برای شراب استعمال می نمودند، لکن عبرانیان از قدیم با استعمال جام و پیاله عادت داشتند و جامها و پیالهها را بانقش زینت قرمن میساختند و آن یکی را از مس و نقره و طلا می ساختند » (۲) و با تفسیری که دیگر فرهنگ نویسان از این واژه کرده اند می توان جام را به معنی واقعی پیاله یا پیمانه شراب خواری دانست و این معنی با جام جم منافات پیدا میکند زیرا جام جم ...

ناکی ز کاس ذویزن گاهی عسل گاهی لبن می کش سان تهمتن اندر عجم از جام جم

سنائی

که جام جمشید ....

خسر و جمشید جام، سام تهمتن حسام خضر سکندر سپاه، شاه فریدون علم

خاقانی

یا جام جهان بین ....

همچو جام جرعه ما کش که ز سرد و جهان پرتو جام جهان بین دهدت آگاهی

حافظ

یا جهان آرا ....

برای جرعه می، کی کشم من منت از ساقی زخون لبریز تا جام جهان آرای دل دارم  
یا جام جهان نما....

از دست ساقی و سقا هم شراب خواست حالی شراب یافت ز جام جهان نما  
عطار

یا جام کی خسرو....

گوی خوبی بردی از خوبان خلخ شادباش

جام کی خسرو طلب، کافر اسباب انداختی

حافظ

یا جام گیتی نما....

به سعی ای آهنین دل، مدتی باری بکش کاهن

به سعی آئینه گیتی نمای جام جسم گردد

سعدی

هم نامیده شده است ، به اعتقاد عامه فرهنگ نویسان ، همه خوب و بد جهان را در خود منعکس میداشت و صاحب خویش را از تمام پنهان و آشکارای نزدیک و دور جهان با خبر می ساخت ، این جام به قولی در زمان جمشید و بقول دیگر بگاه کی خسرو ساخته شده و با خاصیت استثنائی و اسرار آمیزش نه میتوانست پیاله شراب خواری باشد ، جامی که از ازمنه باستانی تا به اکنون اذهان را متوجه خود نموده و هر فرقه و گروهی بنوعی آن را تغییر و تفسیر نموده اند که خود بحثی است شیرین و شایسته تنظیم مقاله ای جداگانه.... اما چرا بنا به شاهد مثال های ذکر شده اکثر شعرا و عرفای ایران جام جم را به معنی پیاله شراب خواری آورده اند شاید بدان سبب باشد که جمشید نخستین انسانی بود که در جهان شراب ساخت ، چه بهتر که نوپیدای نشاء بخش در جامی یکتا و بی نظیر در دنیا نوشیده شود ، و

شرابخواری جمشیدازین جام به عظمت و افتخار پیاله های عادی و معدولی افزوده و مرتبه آن را البته نزد مردم اهل و صاحب دل تا مرتبه جام جمشید بالا برد و پیاله رازگوی و غیب نما و آئینه اسرارش کرد تا بدانجا که معرفت اندوختگان هکس رخ یار را در آن دیده اند ....

ما در پیاله عکس رخ یار دیده ایم ای بی خبر ز لذت شرب مدام ما حافظ

یعنی شاهد و ناظر همان خاصیت استثنائی جام جهان نمای جمشید در جام شراب شدند و بی جا نیست که شرابخواری را مشروط به پذیرش به مقررات خاصی نمودند که از جرعه نوشی، با اهل نوشیدن، اندازه نگه داشتن، بعد از نوشیدن به حریم کسی مادی و معنوی تجاوز نکردن عیب پوشیدن و بالاخره جرعه برخاک افشاندن آغاز و به قلدح نوشی ختم می شد، این مراحل تکاملی، خاص کسانی بود که زبان بهرزه نمیگشادند و ورق بیاد نمیدادند و گناه نا اهلی را متوجه شراب نمی کردند

شراب را چه گونه زانکه ابلهی نوشد زبان بهرزه گشاید دهد بیاد ورق منسوب به ابوعلی سینا

و بهمین منظور جام شراب را با هفت خط یا هفت درجه تقسیم و تزئین میکردند و این هفت خط عبارت بود از ... خط جور به فتح جیم، و این خط لب جام بود، خطی که بعد از آن جام سرریز میشد و ظرف قدرت پذیرش مظروف را نداشت، فرهنگ نویسان معتقدند: «خط اول از هفت خط جام جم (است) که خط لب جام باشد» (۳)

جورخواران را جهان انصاف داد کز خود انصاف جهان درخواستند

خاقانی

خط بغداد، دومین و مشهورترین خط جام جم است، صاحب برهان قاطع مینویسد: «خط دوم از هفت خط جام و بعضی خط اول گفته اند» یا بهمان نسبتی که شاهد مثال در مورد دیگر خطوط جام در آثار شعرا کم است در باره خط بغداد فراوان سخن گفته شد...

بیاد حضرت تو، یوسفان مصر سخن

مدام جام معانی کشند تا بغداد

دجله دجله تا خط بغداد جام

می دهید و از کیان بیاد آورید

قسم هر کس جرعه بود از جام غم

قسم من تا خط بغداد است بیاز

همرمان برجدول دجله چو مسطر رانده اند

من چو نقطه در خط بغداد یکتا مانده ام

تا خط بغداد ساغر، دوستگانی خورده ام

دوستان را دجله ای در جرعه دان آورده ام

خاقانی

خط بصره، خط فروتر از خط بغداد و «خط سوم است از جمله هفت

خط جام جمشید» (۵)

خورده یک دریای بصره تا خط بغداد جام

بس پیایی دجله ای در جرعه دان افشانده اند

خط ازرق که خط شب هم خوانده شده «نام خط چهارم باشد از جمله

هفت خط جام و آنرا خط سیاه نیز گویند» (۶) در فرهنگها خط سبز هم آمده

است....

می احمر از جام تا خط ازرق  
 ز پیروزه لعل بدخشان نماید  
 لعل در جام تا خط ازرق  
 شعله در چرخ اخضر اندازد  
 بجام عشق تومی تا خط سیاه دهند  
 منم که سر نه خط آن خط سیاه نهم  
 خاقانی شروانی

این خط کاملاً در حد وسط جام بود زیرا فراتر از خود سه خط و فروتر نیز سه خط داشته است، تصور می شود این خط برای شرابخواران کمال اعتدال بوده است...

خط اشك، «نام خط پنجم است از جام جمشید و آنرا خط خطر گویند.» خط در شکر یا ورشکر هم گفته شده است، هنوز در میان میخواران، اشکی، اشك چشم بلبل و بالاخره اشك چشمی بریز، مرسوم و متداول است، البته شاید خط اشك بمفهوم واقعی خود نباشد ولی لغت اشك حفظ شده و رایج است. خط فرودینه، آخرین خط از لب جام، آغازی که پایان است و پایانی که آغاز را ایجاب میکند و «خط هفتم از هفت خط جام جسم که آنرا خط مزور نیز گویند.» (۹)

روز و شب، جز خط مزور نیست مطالبات خیزگ و خط بر خط مزور کش  
 خاقانی شروانی  
 ملك زیبایی مسلم گشت فرمان ترا  
 تا چنین خطی مزور کردانشا روی تو  
 سعدی شیرازی

استنباط می شود که این درجات و استفاده از آنها در جرگه شرابخواران کاملاً رعایت میشد و ساقی و جام گردان ناظر بر رعایت شرابخواران از مقررات و جلوگیری از زیاده روی بوده است، از فرودینه نخستین مرحله تا جورکشی حد نهائی و غائی، برای تازه کاران مرحله شروع و پایان کهنه کاران میبود، چون از خط کاسه گربه خط اشك میرسید در واقع به می نوش

اعلام خطر میشد، در خط سیاه قدرتی چون قدرت نوجوانان سبزه خط دمیده برای باده نوشی مییافت و بالاخره در خطوط بصره و بغداد به مرحله تکاملی میرسید و حتی در خط بغداد بسنده میشد و کمتر با خط جور ادامه میدادند، افراط در باده پرستی مذموم بود، بمصداق (اندازه نگه دار که اندازه نکوست) مقررات و دستورات پیرمیکده رعایت میشد زیرا... (۱۰)

صوفی ارباده به اندازه خورد نوشش باد

ورنه اندیشه این کار فراموشش باد

آنکه يك جرعه می از دست تواند دادن

دست با شاهد مقصود در آغوشش باد

حافظ شیرازی

پایان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

- ۱- لغتنامه به نقل از آندراج
- ۲- لغتنامه به نقل از قاموس کتاب مقدس
- ۳- برهان قاطع تصحیح شادروان دکتر محمد معین
- ۴- برهان قاطع
- ۵- لغتنامه به نقل از برهان قاطع و آندراج
- ۶- برهان قاطع
- ۷- برهان قاطع
- ۸- لغت نامه به نقل از ناظم الاطباء
- ۹- برهان قاطع
- ۱۰- بجز لغتنامه و برهان قاطع برای تهیه این مقاله تحقیقی از کتب فرهنگ سروری، کلیات خاقانی، سعدی، طالب آملی دیوان حافظ، صائب و مقاله فغفور کیلانی نوشته خودم مندرج در گراهی ماهنامه ارمغان استفاده شده است.